

## سبک‌شناسی مولوی در اقتباس از قرآن

علیرضا میرزامحمد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه  
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

در قرن هفتم که با پیدایش فتنه مغول حوادث ناگواری به وقوع پیوست و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر ملت و کشور ایران وارد آمد و حتی مراکز علم و ادب و فرهنگ از آسیب و گزند در امان نماند، بازار شعر درباری از رونق افتاد و شاعران از قیود خشک و دست و پا گیر ادبیات درباری آزاد شدند و به امور ذوقی و ابتکار در شعر روی آوردند و در نتیجه، اشعاری که بیشتر جنبه ذوقی و عرفانی داشت، رواج یافت. در این دوران پرماجرایی ناسازگار به احوال علوم و ادبیات، تصوف که مسلکی مبتنی بر عشق و شور و وجد و حال بود، بیش از هر زمان مورد توجه اصحاب ذوق و اندیشه قرار گرفت و سرآمد شاعران پارسی‌گوی مولانا جلال‌الدین با سرودن مثنوی معنوی شعر صوفیانه را به ذروه اعتلای خود رسانید و در باریکی اندیشه و رسایی مقصود و لطافت معنی و شیوایی بیان گوی سبقت از همگان ربود. وی با مشرب عرفانی خاص و دست‌مایه‌ای عظیم از وعظ و حکمت و تذکیر توانست این منظومه بدیع و بی‌بدیل را پدید آورد که در واقع، دریایی زخار از مواعظ و حکم و آداب و معارف قرآنی

است و شاید در دنیا کمتر کتابی را بتوان یافت که در آن، این همه نکات لطیف ذوق‌انگیز و مضامین تازه دلاویز و قصص زیبای عبرت‌آمیز فراهم آمده باشد و بی‌جهت نیست که عارف و ادیب نامی عبدالرحمن جامی در وصف آن گفت:

### مثنوی معنوی مولوی

هست قرآن در زبان پهلوی

(صفا، ۱۳۵۵: ص ۵۳)

تأثیر و نفوذ قرآن در مثنوی مسئله‌ای نیست که به آسانی بتوان از کنار آن گذشت. دامنه این تأثیر به قدری گسترده است که در تصور ننگجد و جز با تحقیق جامع و استقصای کامل عینیت نیابد. کثرت کاربرد الفاظ و تعابیر قرآنی در مثنوی نه تنها در شکل‌گیری اسلوب آن مؤثر افتاده است، بلکه از استغراق تام مولانا در معانی و مفاهیم کلام الهی حکایت دارد. همواره گهگاه به تفسیر و تأویل روی می‌آورد و از این طریق به کشف رموز و اسرار آیات می‌پردازد و لطایف عرفان عملی و دقایق سلوک روحانی را توجیه‌پذیر می‌سازد بی‌آنکه گرایش به تأویل، عدول از مفهوم ظاهری را در پی داشته باشد. همچنین وی علاوه بر اینکه به اخذ پاره‌ای از تمثیلات توجیهی قرآن کریم چون شتر و سوراخ سوزن، برق خاطف، کور و بینا، درخت پاک و درخت ناپاک، و چراغ و چراغدان پرداخته و در نهایت دقت و ظرافت تصاویری زیبا از آنها به دست داده است، بسیاری از لطایف احوال و اسرار انبیا و قصص اقوام پیشین را که در قرآن کریم آمده و در تفاسیر نیز به تفصیل از آنها سخن رفته است، مورد امعان نظر و تحلیل قرار می‌دهد و حقایق روحانی و ارزشهای معنوی و نکات عرفانی دل‌انگیزی را تقریر می‌کند که نشانه‌هایی از اصالت فکر و وسعت نظر و استقلال در استنباط دارد و ورای اشارات و اعظان و مفسران اهل کلام و اخبار است.<sup>۱</sup> آنگاه که از ظهور انوار حق در وجود آدم که به علم اسماء مسجود ملایک آمد و به مقام خلافت الهی دست یافت، سخن می‌گوید، تصویری روشن از جامعیت انسان کامل را ترسیم می‌کند و چون از عزم و اراده راسخ نوح در دعوت به توحید دم می‌زند و صبر و استقامت بی‌نظیرش را در برابر طغیان و تکذیب

و آزار مردم می‌ستاید، نمونه‌ای زیبا از تلاش و مجاهدت اولیاءالله را در سلوک روحانی تا عروج به آسمان کمال مجسم می‌سازد. در همین راستا، با اشاره به مقام صبر و رفع ادریس نبی که ثمره غلبه روحانیت بر طبیعت او بوده است، نمونه‌ای والا از مرگ تبدیلی را به نمایش می‌گذارد. با نشان دادن سیمای قرآنی ابراهیم خلیل از زوایای گوناگون که نمودار عشق و اخلاص و محبت عارفانه اوست، به توجیه و تأویل اسرار طریقت می‌پردازد. از یادکرد قصص و معجزات حیرت‌انگیز موسای کلیم که جامع لطایف طریقت و اسرار شریعت است، سیر در وادی عشق و عالم انس را نتیجه می‌گیرد. از پرداختن به قصه پرفراز و نشیب یوسف صدیق که با حزن و اندوه و محنت و فراق و عشق و عفت و اشتیاق همراه است، از حالات عرفانی و مکاشفات روحانی اهل محبت پرده برمی‌دارد. وقتی هم که تصویرهای زیبا و گویای مبتنی بر قرآن را از دیگر پیامبران الهی رقم می‌زند، الزام به تطهیر قلب و ترکیه باطن در طریق سلوک را گوشزد می‌کند و بر تسلیم عارفانه که جز با از خودرهایی و اخلاص در محبت حق حاصل نمی‌شود، تأکید می‌ورزد. سرانجام با تصویری که از سیمای ملکوتی خاتم پیامبران و مهتر کاینات و چشم و چراغ آفرینش عرضه می‌دارد، نه تنها با استناد به کلام وحی از لطایف اسرار و دقایق احوال وی پرده برمی‌دارد و در بیان حقیقت محمدی داد سخن می‌دهد و به تقدیس و تعظیم حضرتش می‌پردازد، بلکه انقطاع از تعلقات مادی و مقاصد دنیوی را که لازمه مقام قرب و وصال است، مورد توجه قرار می‌دهد و رابطه عشق و تجاذب روحانی میان عبد و رب را تقریر می‌کند و در نمودن چهره متعالی انسان کامل طرحی نو درمی‌افکند.

به هرحال، تأثیری که قرآن کریم از جهت لفظ و معنی در مثنوی به جای نهاده است، تا حدی است که بی‌تردید فهم درست مثنوی بدون آشنایی با قرآن حاصل نمی‌شود، چرا که غیر از اخذ قصه‌های قرآنی و تفسیر تعدادی از آیات، سراسر مثنوی مملو از الفاظ و تعبیرات قرآنی و مشحون از موارد استشهاد و تمثیل به آیات الهی است. مولانا نه فقط بر سبیل استدلال گهگاه تمثیل بر استشهاد به آیات می‌کند، بلکه در بسیاری موارد استشهاد به آنها از باب تبرک و تیمن به کلام الهی

به نظر می‌رسد. به علاوه، غیر از خود مولانا که در دلالات و خطابات بلاواسطه خویش مکرر به آیات و تعبیرات قرآنی تمثل می‌کند، اشخاص قصه‌های مثنوی نیز در موقع ضرورت از باب تقریر حجت به کلام الهی استناد می‌نمایند، حتی این طرز استشهاد در قصه‌های حیوانات و در کلام کسانی که استناد به قرآن در شأن آنها نیست نیز هست. در بسیاری موارد، تمثل به آیات متضمن تفسیر آنها نیز می‌شود و این تفسیرها گهگاه با وجود ایجاز فوق‌العاده‌ای که دارد، شامل نکات جالبی است که لطایف اقوال مشایخ صوفیه را به تقریر درمی‌آورد و نظایر آنها در تفسیرهای غیرصوفی هم نیست. از این گذشته، کثرت و تنوع موارد اخذ و نقل آیات قرآنی در مثنوی تا حدی است که آن را می‌توان تفسیری صوفیانه از قرآن کریم تلقی کرد. (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ص ۴۰)

اصولاً طرز تلقی مولانا از قرآن کریم که از نگرش ژرف و دقیق و همه‌جانبه او بدین کتاب مبین حکایت دارد و کاربرد بی‌حد و حصر الفاظ و مضامین بکر قرآنی در مثنوی نیز مظهر تأییدی بر این ادعاست، ایجاب می‌کند که قرآن را مهم‌ترین سرچشمه فیاضی بدانیم که عرفان جلال‌الدین از آن سیراب شده است. البته، از عارف کامل به حق و اصلی چون او که قرآن‌شناسی بزرگ و توانا بود و همواره سر بر آستان فقر محمدی می‌سود، انتظاری جز این نمی‌رفت که با بهره‌گیری از کلام وحی اثری جاودان پدید آرد که سالکان طریقت را رهگشا آید و رهروان وادی عشق و معرفت را سودمند افتد.

حال اگر بخواهیم روش مولانا را در تأثیرپذیری از قرآن کریم با رعایت همه جوانب مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و به یک جمع‌بندی منطقی در این باب دست یابیم، ناگزیر از بیان نکات زیر خواهیم بود:

### لفظ قرآن

این واژه مقدس چهل و دو بار (جعفری، ۱۳۶۴: ج ۳، صص ۷-۴۸۶) در مثنوی به کار رفته است که ابیات ذیل از آن جمله است:

سبک‌شناسی مولوی در اقتباس از قرآن ۶۴۹

گرچه قرآن از لب پیغمبر است  
هرکه گوید حق نگفت او کافر است  
(مثنوی ۴۰۲/۲)

چونکه در قرآن حق بگریختی  
با روان انبیا آمیختی  
هست قرآن حالهای انبیا  
ماهیان بحر پاک کبریا  
(مثنوی ۹۵/۱)

مصطفی را وعده کرد الطاف حق  
گر بمیری تو نمیرد این سبق  
من کتاب و معجزه را رافعم  
بیش و کم کن را ز قرآن مانعم  
کس نتاند بیش و کم کردن در او  
تو به از من حافظی دیگر مجو  
هست قرآن مر ترا همچون عصا  
کفرها را در کشد چون اژدها  
(مثنوی ۶۸/۲، ۶۹)

حرف قرآن را بدان که ظاهری است  
زیر ظاهر باطنی بس قاهری است  
زیر آن باطن یکی بطن سوم  
که در او گردد خردها جمله گم  
بطن چارم از نبی خود کس ندید  
جز خدای بی نظیر بی ندید  
تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین  
دیو آدم را نبیند جز که طین  
ظاهر قرآن چو شخص آدمی است  
که نقوشش ظاهر و جانش خفی است؟  
(مثنوی ۲۴۲/۲-۲۴۳)

معنی قرآن ز قرآن پرس و بس  
وز کسی کآتش زده است اندر هوس  
پیش قرآن گشت قربانی و پست  
تا که عین روح او قرآن شده است

(مثنوی ۲۰۰/۳)

کرده‌ای تاویل حرف بکر را  
خویش را تاویل کن نی ذکر را  
بر هوا تاویل قرآن می‌کنی  
پست و کژ شد از تو معنی سنی

(مثنوی ۶۷/۱)

تا قیامت می‌زند قرآن ندا  
ای گروه جهل را گشته فدا  
من کلام حقم و قایم به ذات  
قوت جان جان و یاقوت زکات

(مثنوی ۲۴۵/۲)

هین بخوان قرآن بین سحر حلال  
سرنگونی مکرهای کالجبال

(مثنوی ۳۰/۳)

از این ابیات نیک می‌توان دریافت که مولانا چون از قرآن سخن به میان می‌آورد، آن را وحیانی و بازگوکنندهٔ احوال پیمبران الهی می‌خواند و با اقتباس از آیه کریمه *إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ* (حجر ۹/۱۵)، بر مصون بودنش از هر تغییر و تحریف و زیادت و نقصان حکم می‌راند و سپس این کتاب مقدس معجز نشان را به عصای موسی بن عمران تشبیه می‌کند. همو با استناد به حدیث نبوی *إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ* (فروزانفر، ۱۳۶۱: ص ۸۳)، قرآن را دارای ظهر و بطن می‌داند که هر بطنی را بطن دیگری است تا هفت بطن، و نیز به پیروی از کلام گهربار رسول اکرم که فرمود: *إِنَّ الْقُرْآنَ لِيَصْدَقُ بَعْضُهُ بَعْضًا* (المتقی الهندی،

۱۴۰۵: ج ۱، ص ۶۱۹)، بر تفسیر قرآن به قرآن تأکید می‌ورزد و تأویل و تفسیر به رأی را به حکم مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ وَ أَصَابَ الْحَقَّ فَقَدْ أَخْطَأَ، جایز نمی‌شمرد، چه ممکن است نتایج بحث‌های علمی از خارج بر مدلول آیات تحمیل شود و تفسیر به تطبیق تغییر یابد. وی در حقیقت، صاحب‌دلانی را شایسته تفسیر و تأویل می‌داند که از تهذیب نفس و رسوخ در علم برخوردارند و با قلبی نورانی به تدبّر در قرآن می‌پردازند و آیات کلیدی آن را نیک می‌شناسند، آنگاه با این مفاتیح قادرند در خزاین تأویل را بگشایند و حقایق فراتر از مفاهیم و معانی قرآن را دریابند و بدینسان، چراغی فرا راه طالبان شناخت معارف اصیل قرآنی برافروزند. علاوه بر این، مولوی از قرآن کریم با تعبیری زیبا و دلنشین چون قوت جان جان، یاقوت زکات و سحر حلال یاد می‌کند که همگی از عظمت شگفت‌انگیز این کتاب مقدّس آسمانی حکایت دارد.

### مترادفات واژه قرآن

۱- «کتاب» و «کتاب‌الله» در این ابیات:

مُقَرَّبِي مِي خَوَانْد اَز رُوي كِتَاب

مَاؤُكْم غُوراً ز چِشمه بِنْدَم آب

(مثنوی ۳۳۶/۱)

چون کتاب‌الله بیامد هم بر آن

این چنین طعنه زدند آن کافران

که اساطیر است و افسانه نژند

نیست تعمیقی و تحقیقی بلند

(مثنوی ۲۴۱/۲)

۲- «فرقان» در این بیت:

نور فرقان فرق کردی بهر ما

ذره ذره حق و باطل را جدا

(مثنوی ۲۹۳/۱)

۳- «ذکر» در این بیت:

گفت کوران خود صنایق‌اند پُر  
از حروف مصحف و ذکر و نُذُر

(مثنوی ۷۹/۲)

۴- «نور» در این بیت:

هرکه گاه و جو خورد قربان شود  
هرکه نور حق خورد قرآن شود

(مثنوی ۱۵۹/۳)

۵- «مصحف» در این ابیات:

دید در ایام آن شیخ فقیر  
مصحفی در خانه پیری ضریب  
گفت اینجا ای عجب مصحف چراست  
چونکه نابیناست این درویش راست

(مثنوی ۱۰۵/۲)

جمله قرآن شرح خبث نفسهاست  
بنگر اندر مصحف آن چشمت کجاست

(مثنوی ۵۵۴/۳)

۶- «نبی» و «نبا» در این دو بیت:

در نبی انذار اهل غفلت است  
کآن همه انفاق‌هاشان حسرت است

(مثنوی ۱۳۶/۱)

نور از آن ماه باشد وین ضیا  
آن خورشید این فروخوان از نبا

(مثنوی ۲۷۹/۲)

۷- «آفتاب منتجم»<sup>۳</sup> در این بیت:

گفت حق در آفتاب منتجم  
ذکر تَزَاوُر کذی عن کَهْفِهِم

(مثنوی ۱۸۵/۱)



از این مترادفات به جز «مصحف» و «أفتاب منتجم»، مابقی همه مأخوذ از قرآن کریم است که برای هریک از باب نمونه به ذکر آیه‌ای اکتفا می‌کنیم.

- کتاب: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ». (بقره ۲/۲)  
- کتاب‌الله: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعِلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورًا». (فاطر ۲۹/۳۵)

وجه تسمیه قرآن به کتاب از باب اطلاق مصدر بر مفعول آن است، یعنی کتاب [نوشتن] مصدر است به معنای مکتوب [نوشته شده] که اسم مفعول است.  
- فرقان: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا». (فرقان ۱/۲۵)

وجه تسمیه قرآن به فرقان این است که فارق میان حق و باطل است و آن دورا از هم جدا می‌کند. در این صورت، لفظ «فرقان» مصدری است که جایگزین اسم فاعل شده است.

- ذکر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (حجر ۹/۱۵)  
در تسمیه قرآن به ذکر، شیخ طوسی دو وجه را محتمل دانسته است: یکی آنکه ذکر است از سوی خدا که بندگانش او را بدان یاد می‌کنند و خدا به وسیله آن واجبات و احکام خویش را به آنان می‌شناساند؛ دیگر آنکه ذکر و شرفی است برای آن کس که به قرآن ایمان آورده و دستورات آن را پذیرفته است، چنانکه خدای تعالی فرماید: «إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ...» (زخرف ۴۳/۴۴): این قرآن برای تو و قوم تو ذکر و شرفی است.<sup>۲</sup>

- نور: «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ». (مائده ۱۵/۵)  
پیداست که «نور» و «کتاب مبین» در این آیه مرادف یکدیگرند و مراد از هر دو قرآن کریم است.

- نَبِيٌّ وَنَبَأٌ: مفسران گویند که «نبا» به اعتبار آیه شریفه «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ» (نبا ۱/۷۸ و ۲) برای قرآن مجید عَلَم شده و «نُبی» نیز از همین آیه اخذ گردیده است. (گوهرین، ۱۳۶۲: ج ۹، صص ۵۴ و ۵۸)

۶۵۴ فرم‌نگ، ویژه‌نامه مولوی

### نام سوره‌ها

۱- «فاتحه» و «قارعه» در این بیت:

گونه‌گون می‌دید ناخوش واقعه

فاتحه می‌خواند او والقارعه

(مثنوی ۲۵۹/۱)

۲- «أنعام» و «یس» در این بیت:

چون بخورد آن گندم اندر فخ بماند

چند او یاسین و ألأنعام خواند

(مثنوی ۳۰۲/۳)

۳- «رحمن» در این بیت:

حق تعالی داد میزان را زیان

هین ز قرآن سوره رحمان بخوان

(مثنوی ۸۹/۳)

### نام آیه‌ها

۱- «آیت امانت» (احزاب ۷۲/۳۳) در این بیت:

این امانت در پرده دل و دل‌حامله است

این نصیحت‌ها مثال قابله است

(مثنوی ۳۸۶/۱)

۲- «آیت روز الست» (اعراف ۱۷۲/۷) در این بیت:

او به تسبیح از تن ماهی بجست

چیست تسبیح آیت روز الست

(مثنوی ۴۲۳/۱)

### حروف مقطعه

۱- «الم»<sup>۵</sup> و «حم»<sup>۶</sup> در این دو بیت:

سبک‌شناسی مولوی در اقتباس از قرآن ۶۵۵

این الم و حم این حروف  
چون عصای موسی آمد در وقوف  
این الم و حم ای پدر  
آمده است از حضرت مولی‌البشر

(مثنوی ۸۵/۳)

۲- «کهیص» (مریم ۱/۱۹) در این بیت:

کاف کافی آمد او بهر عباد

صدق و عدّه کهیص

(مثنوی ۴۸۶/۲)

### مفردات لغات قرآن

۱- «شراب» و «مغتسل» در این بیت:

مرغ آبی غرق دریای غسل

عین ایوبی شراب و مغتسل

(مثنوی ۱۲۷/۱)

مقتبس است از آیه کریمه «ارکضُ برجلک هذا مغتسلُ باردٌ و شرابٌ». (ص

۴۲/۳۸)

۲- «مشکات» و «نور» در این بیت:

آنکه زین قندیل کم مشکات ماست

نور را در مرتبه ترتیبهاست

(مثنوی ۲۹۱/۱)

۳- «مصباح» و «زجاجه» در این بیت:

گرچه مصباح و زجاجه گشته‌ای

لیک سرخیل دلی سرشته‌ای

(مثنوی ۱۸۱/۱)

۴- «لاشرقیه» و «لاغربیه» در این بیت:

بی ز تغییری که لا شرقیه

بی ز تبدیلی که لا غربیه

(مثنوی ۵۰۳/۲)

در این سه بیت، به بخشهایی متوالی از آیه نور اشارت رفته است با این عبارت:  
«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجٍ  
الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ يوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ...».  
(نور ۲۴/۳۵)

۵- «انسان»، «ظلوم» و «جهول» در این بیت:

کرد فضل عشق انسان را فضول

زین فزون‌جویی ظلوم است و جهول

(مثنوی ۲/۲۶۷)

اشاره است به آیه امانت که در انتهای آن آمده است: «..و حملَهَا الانسانُ إِنَّهُ كَانَ  
ظَلُومًا جَهُولًا». (احزاب ۳۳/۷۲)

### الفاظ جمع قرآن

۱- «الانعام» در این بیت:

نام کالانعام کسرد آن قوم را

زانکه نسبت کو به یقظه نوم را

(مثنوی ۲/۳۶۷)

مقتبس است از آیه کریمه «..أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ».  
(اعراف ۱۷۹/۷)

۲- «صَمَّ» و «بِكَم» و «عَمَى» در این بیت:

من ندانم خیر الا خیر او

صَمَّ و بِكَم و عَمَى من از غیر او

(مثنوی ۳/۱۰۷)

مقتبس است از آیه شریفه «صَمَّ بِكَمَّ عَمَى فَمَنْ لَا يَرْجِعُونَ». (بقره ۱۸/۲)  
مفرد این جمعها به ترتیب عبارت است از: نَعَم، أَصَم، أَبْکَم و أَعْمَى.

## افعال قرآن

۱- فعل ماضی، مانند:

«کَرَمْنَا» و «أَعْطَيْنَا» در این بیت:

تاج کَرَمَناسْت بر فرق سرت

طسوق أَعْطَيْنَاکَ أویز برت

(مثنوی ۲۲۷/۳)

این دو فعل به‌ترتیب مأخوذ است از آیات «و لقد کَرَمْنَا بنی آدم...» (اسراء

۷۰/۱۷) و «أَنَا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ». (کوثر ۱/۱۰۷)

۲- فعل مضارع، مانند:

«يُحِبُّونَ» و «يُحِبُّهُمْ» در این بیت:

چون يُحِبُّونَ بخواندی در نُبی

با يُحِبُّهُمْ قرین در مطلبی

(مثنوی ۱۳۹/۳)

این دو فعلِ مقتبس است از آیه کریمه «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهِ

فَسَوْفَ یَأْتِیَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ یُّحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ...» (مائده ۵/۵۴)

۳- فعل امر، مانند:

«إِحْسِنُوا» در این بیت:

إِحْسِنُوا آید جواب آن دعا

چوب رد باشد جزای هر دغا

(مثنوی ۱۱/۲)

این فعلِ مقتبس است از آیه کریمه «قَالَ احْسِنُوا فِیْهَا وَ لَا تَكْلُمُنَّ». (مؤمنون

۱۰۸/۲۳)

۴- فعل نهی، مانند:

«لَا تَخَفْ» در این بیت:

نی ز دریا ترس و نی از موج و کف

چون شنیدی تو خطاب لا تَخَفْ

(مثنوی ۲۹/۲)

این فعل مأخوذ است از آیه شریفه «قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى». (طه)  
(۶۸/۲۰)

### مصطلحات قرآنی

۱- «عین‌الیقین» در این بیت:

نقش و قشر علم را بگذاشتند

رایست عین‌الیقین افراشتند

(مثنوی ۲۱۵/۱)

مقتبس است از آیه شریفه «ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ». (تکواثر ۷/۱۰۲)

۲- «توبه نصوح» در این بیت:

خواجه بر توبه نصوحی خوش بتن

کوششی کن هم به جان و هم به تن

(مثنوی ۱۴۱/۳)

مأخوذ است از آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا...». (تحریم

۸/۶۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### اعلام قرآن

۱- «هاروت» و «ماروت» و «بابل» در این دو بیت:

من چو هاروت و چو ماروت از حزن

آه می‌کردم که ای خلاق من

از خطر هاروت و ماروت آشکار

چاه بابل را بکردند اختیار

(مثنوی ۳۸۳/۱)

اشاره است به آیه شریفه «...و ما أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَارُوتَ وَّ مَارُوتَ...».

(بقره ۱۰۲/۲)

۲- «انجیل» در این بیت:

بود در انجیل نام مصطفی

آن سر پیغمبران بحرِ صفا

(مثنوی ۴۵/۱)

ناظر است به آیه شریفه «.. و مَبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ...». (صف ۶/۶۱)

### مبهمات قرآن

۱- «بَلَعَم بَاعُور» در این بیت:

بلعم باعور و ابلیس لعین

ز امتحان آخرین گشته مهین

(مثنوی ۴۲/۲)

اشاره است به آیه شریفه «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ». (اعراف ۱۷۵/۷)

۲- «خَضِر» در این بیت:

آن پسر را کش خَضِرِ بپرید حلق

سِرِّ آن را درنیابد عام خلق

(مثنوی ۱۶/۱)

اشاره است به آیه کریمه «فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا». (کهف ۷۴/۱۸)

از این مبهمات در قرآن کریم بهصراحت نامی نرفته است و اصولاً می‌توان آنها را در سه بخش اماکن، اعلام مبهم که در دورانهای پیش از اسلام می‌زیسته‌اند و معاصران پیامبر اکرم که نامشان به ابهام در قرآن مذکور است، دسته‌بندی کرد.<sup>۷</sup>

### ترکیبات اضافی

۱- «صِبْغَةَ اللَّهِ» در این بیت:

رنگ باقی صِبْغَةَ اللَّهِ است و بس

غیر آن بر بسته دان همچون جرس

(مثنوی ۵۴۵/۳)

۶۶۰ فرهنگ، ویژه‌نامه مولوی

مأخوذ است از آیه شریفه «صِبْغَةَ اللَّهِ و مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ». (بقره ۱۳۸/۲)

۲- «تقوی القلوب» در این بیت:

عاشق آینه باشد روی خوب

صیقل جان آمد و تقوی القلوب

(مثنوی ۱۹۴/۱)

مأخوذ است از آیه کریمه «ذَلِكَ و مَنْ يَعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».

(حج ۳۲/۲۲)

۳- «جنت المأوی» در این بیت:

چون نخواهی من کفیلیم مر ترا

جنت المأوی و دیدار خدا

(مثنوی ۲۹۰/۳)

مأخوذ است از آیه شریفه «و عندها جنة المأوی». (نجم ۱۵/۵۳)

### ترکیبات وصفی

۱- «حیات طیبه» در این بیت:

جز مگر پیری که از حق است مست

در درون او حیات طیبه است

(مثنوی ۴۲۰/۱)

مأخوذ است از آیه شریفه «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ

حياةً طيبةً...». (نحل ۹۷/۱۶)

۲- «قصر مشید» در این بیت:

تا نداند شیر علم دین کشید

تا نگردد گرد آن قصر مشید

(مثنوی ۶۳/۱)

مأخوذ است از آیه کریمه «فَكَأَيُّنَ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ



علی عروشها و بثر معطله و قصر مشید». (حج ۴۵/۲۲)

۳- «ماء معین» در این بیت:

نیست آتش هست آن ماء معین

و آن دگر از مکر آب آتشین

(مثنوی ۳۰/۳)

مأخوذ است از آیه شریفه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ

مَعِينٍ». (ملک ۳۰/۶۷)

### ترکیبات خودساخته برگرفته از قرآن

۱- «شمس الضحی» از آیه «والشمس و ضحها» (شمس ۱/۹۱) در این بیت:

ای رخ چون زهره‌ات شمس الضحی

ای گدای رنگ تو گلگونه‌ها

(مثنوی ۲۲۶/۳)

۲- «شق القمر» از آیه «..إِنْشَقَّ الْقَمْرُ» (قمر ۱/۵۴) در این بیت:

معجزه کآن بر جمادی زد اثر

یا عصا یا بحر یا شق القمر

(مثنوی ۳۴۸/۳)

۳- «الحاق ذریات» از آیه «.. أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...» (طور ۲۱/۵۲) در این بیت:

منتظر می‌باش آن میقات را

صدق دان الحاق ذریات را

(مثنوی ۲۴۷/۳)

### کنایات خودساخته برگرفته از قرآن

۱- «بر جمال ماه زدن» در این بیت:

صدق احمد بر جمال ماه زد

بلکه بر خورشید رخشان راه زد

(مثنوی ۱۷۷/۳)

کنایه است از انشقاق قمر به دست مبارک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اشاره است به آیه شریفه «اقتربت الساعة وانشق القمر». (قمر ۱/۵۴)

۲- «چارجو» در این بیت:

بل مکان و لا مکان در حکم او

همچو در حکم بهشتی چارجو

(مثنوی ۹۷/۱)

کنایه است از صبر، مهر، ذوق طاعت، مستی و شوق ۸ و اشاره است به آیه کریمه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى...». (محمد ۱۵/۴۷)

۳- «دوزخ گلو» در این بیت:

در زمان پیش آید آن دوزخ گلو

حجّتش این که خدا گفتا کلوا

(مثنوی ۲۸۱/۱)

کنایه است از کسی که بسیار خورد و سیر نشود و منشأ آن آیه شریفه «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلأتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» است. (ق ۳۰/۵۰)

تعبیرات عددی برگرفته از قرآن و گردانیده به فارسی

۱- «هفت گاو لاغری» و «هفت گاو فربه» در این دو بیت:

هفت گاو لاغری پُرگزند

هفت گاو فربهش را می‌خورند

(مثنوی ۴۳۲/۳)

هفت گاو فربه بسپروری

خوردشان آن هفت گاو لاغری

(مثنوی ۶۰۳)

اشاره است به آیه کریمه «قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عَجَافٌ...». (یوسف ۴۳/۱۲)

۲- «هشت حامل» در این بیت:

روز محشر هشت بینی حاملانش

هم تو باشی افضلِ هشت آن زمانش

(مثنوی ۱۰۱/۳)

اشاره است به آیه شریفه «وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَانِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ». (حاقه ۱۷/۶۹)

۳- «شش روز» در این بیت:

با تائی گشت موجود از خدا

تا به شش روز این زمین و چرخها

(مثنوی ۱۹۹/۲)

اشاره است به آیه کریمه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...». (هود ۷/۱۱)

ترکیبات خود ساخته برگرفته از قصص انبیاء

۱- «بوی یوسف» در این بیت:

یا چو بوی یوسف خوب لطیف

می‌زند بر جان یعقوب نحیف

(مثنوی ۳۱۲/۱)

اشاره است به آیه شریفه «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُون». (یوسف ۹۴/۱۲)

۲- «خوان مسیح» و «میوه مریم» در این بیت:

حبّذا خوان مسیحی بی‌کمی

حبّذا بی باغ میوه مریمی

(مثنوی ۳۴۹/۳)

اشاره است به آیات «قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (مائده ۱۱۴/۵)

۶۶۴ فرهنگ، ویژه‌نامه مولوی

و «..كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ». (آل عمران ۳۷/۳)  
۳- «دست موسی» در این بیت:

دست موسی را دهم یک نور و تاب

که طیانچه می‌زند بر آفتاب

(مثنوی ۴۸۷/۲)

اشاره است به معجزه «ید بیضا» در آیه کریمه «أَسْلُكُ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ...» (قصص ۳۲/۲۸) و آیات بیّنات دیگر.<sup>۹</sup>  
۴- «لحن داودی» در این بیت:

لحن داودی به سنگ و کُهِ رسید

گوش آن سنگین دلانش کم شنید

(مثنوی ۱۶۰/۲)

اشاره است به آیه کریمه «... وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ». (انبیاء ۷۹/۲۱)  
۵- «مرغان خلیل» در این بیت:

چار وصف تن چو مرغان خلیل

بَسْمِلِ ایشان دهد جان را سبیل

(مثنوی ۴/۳)

اشاره است به آیه کریمه «و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لِمَ تَؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (بقره ۲۶۰/۲)

## تمثیلات قرآن

۱- «بهشت و نهرهای آن» در این دو بیت:

آب صبرت جوی آب خُلد شد  
جوی شیر خُلد مهر تست و وُد  
ذوق طاعت گشت جوی انگبین  
مستی و شوق تو جوی خمر بین

(مثنوی ۱۹۷/۲)

اشاره است به آیه شریفه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى...» (محمد ۱۵/۴۷)

۲- «دلهای سخت و سنگ» در این ابیات:

ز انبیا ناصح‌تر و خوش‌لهجه‌تر  
کی بود که گرفت دَمشان در حجر  
ز آنچه کوه و سنگ در کار آمدند  
می‌نشد بدبخت را بگشاده بند  
آنچنان دلها که بُدشان ما و من  
نعتشان شد بَلْ أَشَدُّ قَسْوَةً

(مثنوی ۹۸/۳)

اشاره است به آیه کریمه «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لِمَا يُتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ...» (بقره ۷۴/۲)

۳- «خوشه هفتصد دانه» در این بیت:

این زمین را رِيع او خود بی‌حدست  
دانه‌ای را کمترین خود هفتصد است

(مثنوی ۳۸۲/۲)

اشاره است به آیه شریفه «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مائةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره ۲۶۱)

### امثال سائره قرآن

۱- «نورٌ علی نورٍ»<sup>۱۱</sup> در این بیت:

نور حس را نور حق تزیین بود

معنی نورٌ علی نور این بود

(مثنوی ۳۱۷/۱)

۲- «یُدَاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»<sup>۱۱</sup> در این بیت:

چون یُدَاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ بود

دست ما را دست خود فرمود احد

(مثنوی ۳۵۱/۱)

۳- «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»<sup>۱۲</sup> در این بیت:

خضم هر شیر آمد و هر روبه او

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

(مثنوی ۴۰۰/۳)

۴- «إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا»<sup>۱۳</sup> در این بیت:

داد حقمان از مکافات آگهی

گفت إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا به

(مثنوی ۲۵۴/۲)

۵- «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ»<sup>۱۴</sup> در این بیت:

بسا برگیرند چون آمد عَرَج

گفت حق لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ

(مثنوی ۳۸/۲)

### جملات کوتاه قرآن

۱- جمله فعلیه، مانند:

۱-۱- «قَامُوا كُسَالَى» در این بیت:

پس بخوان قاموا کُسالی از نُبی

چون نیابد شاخ از بیخش طِبی

(مثنوی ۴۰۰/۳)

مأخوذ است از آیه شریفه «.. و إذا قاموا إِلَى الصَّلَاةِ قاموا کُسالی...». (نساء

۱۴۲/۴)

۱-۲- «قُمِ اللَّيْلَ» در این بیت:

هین قُمِ اللَّيْلَ که شمعی ای همام

شمع اندر شب بود اندر قیام

(مثنوی ۳۶۴/۲)

مأخوذ است از آیه کریمه «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا». (مزمل ۲/۷۳)

۱-۳- «لَا أَحَبُّ الْأَقْلِينَ» در این بیت:

اندرین وادی مرو بی این دلیل

لَا أَحَبُّ الْأَقْلِينَ گو چون خلیل

(مثنوی ۲۷/۱)

مأخوذ است از آیه شریفه «.. فَلَمَّا أَفْلَحَ قَالَ لَا أَحَبُّ الْأَقْلِينَ». (انعام ۷۶/۶)

۱-۴- «طَهَّرَا بَيْتِي» در این بیت:

طَهَّرَا بَيْتِي بیان پاکی است

گنج نور است ار طلسمش خاکی است

(مثنوی ۲۸/۱)

مأخوذ است از آیه کریمه «.. و عَهَدْنَا إِلَىٰ اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمَاعِيلَ اَنْ طَهَّرَا بَيْتِي

لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». (بقره ۱۲۵/۲)

۲- جمله اسمیه، مانند:

۲-۱- «أَنَا خَيْرٌ» در این بیت:

بندگی او به از سلطانی است

که أَنَا خَيْرٌ دم شیطانی است

(مثنوی ۴۷۶/۲)

مأخوذ است از آیه شریفه «قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ».  
(ص ۷۶/۳۸)

۲-۲- «حَسْبِيَ اللَّهُ» در این بیت:

عقل قربان کن به پیش مصطفی

حَسْبِيَ اللَّهُ گو که الله ام کفی

(مثنوی ۳۶۱/۲)

مأخوذ است از آیه کریمه «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ». (توبه ۱۲۹/۹)

۲-۳- «هُوَ أَدُنُّ» در این بیت:

سرکشد گوش محمد در سخن

کش بگوید در نبی حق هو اذن

(مثنوی ۸/۲)

مأخوذ است از آیه شریفه «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدُنُّ قُلْ أَدُنُّ خَيْرٌ لَكُمْ...». (توبه ۶۱)

۲-۴- «هَذَا رَبِّي» در این بیت:

گفت هذا ربی ابراهیم راد

چونکه اندر کنی عالم وهم اوفتاد

(مثنوی ۱۷۰/۳)

مأخوذ است از آیه کریمه «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفَلِينَ». (انعام ۷۶/۶)

### تضمین آیه کامل

۱- «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق ۹/۸۶) در این بیت:

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ كُلُّهَا

بَانَ مِنْكُمْ كَامِنٌ لَا يُشْتَهَى

(مثنوی ۲۲۱/۱)



۲- «اللَّهُ الصَّمَدُ» (اخلاص ۲/۱۱۲) در این بیت:

حَقُّ ذَاتِ پَاكِ اَللّٰهُ الصَّمَدُ

که بود به مارِ بد از یارِ بد

(مثنوی ۱۶۹/۳)

۳- «يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ» (ذاریات ۹/۵۱) در این بیت:

هم عرب ما، هم سبو ما، هم ملک

جمله ما، يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ

(مثنوی ۱۷۹/۱)

۴- «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه ۵/۲۰) در این بیت:

تختِ دل معمور شد پاک از هوا

بروی الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى

(مثنوی ۲۲۵/۱)

### تضمین بخشی از آیه

۱- «.. يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» (یس ۲۶/۳۶) در این بیت:

می‌زند جان در جهان آبگون

نعره يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

(مثنوی ۱۱۱/۳)

۲- «.. وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...» (جمعه ۱۰/۶۲) در این بیت:

وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ است امر

تا نباید غصب کردن همچو نمر

(مثنوی ۱۵۲/۳)

۳- «.. إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ...» (انفال ۴۸/۸) در این بیت:

ای اَخَافُ اَللّٰهُ مَالِي مِنْهُ عَوْنٌ

إِذْهَبُوا إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ

(مثنوی ۲۳۰/۲)

۴- «...نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (حجر ۱۵/۲۹) در این بیت:

تَا نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي تَرَا

واره‌اند زین و گوید برتر آ

(مثنوی ۴۶۸/۲)

تضمین آیه یا عبارت قرآنی موزون

۱- «قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ» (عبس ۱۷/۸۰) در این بیت:

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ

كُلَّمَا نَالَ هَدَىٰ أَنْكَرَهُ

(مثنوی ۲۳/۲)

۲- «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ» (نجم ۳۹/۵۳) در این بیت:

قَبْلَهُ از دَل ساخت آمد در دَعَا

لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

(مثنوی ۳۸۶/۳)

۳- «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص ۸۸/۲۸) در این بیت:

وَز مَلَكْ هم بایدم جَسْتَن زَجُو

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

(مثنوی ۲۲۲/۲)

۴- «مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ» (تحریم ۵/۶۶) در این بیت:

حَبَّذَا أَرْوَاحُ إِخْوَانِ ثِقَاتِ

مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتِ

(مثنوی ۲۴/۳)

۵- «كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ» (انعام ۵/۶) در این بیت:

تَن مَبِينِ وَا نَ مَكْن كَا نَ بَكْمِ وَا صُم

كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

(مثنوی ۴۵۴/۳)

لازم به یادآوری است که در تضمین آیه‌ای یا عبارتی قرآنی گاهی ممکن است، به اقتضای وزن شعر، در تلفظ واژه‌ای اندک تغییری رخ دهد که امری طبیعی است.

### اقتباس لفظی از آیه یا بخشی از آن

۱- با زیادت و افزونی، مانند:

۱-۱ «ی» و «لی» به آیه شریفه «... یا بُشْرٰی هَذَا غُلَامٌ...» (یوسف ۱۹/۱۲) در این بیت:

تا بگوید چون ز چاه آیی به بام

جان که یا بُشْرٰی هَذَا لٰی غُلَام

(مثنوی ۳۱۸/۲)

۱-۲ «ما» و «بأس» به آیه شریفه «...بِأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ...» (حشر ۱۴/۵۹) در این بیت:

گفت حق زاهلِ نفاق ناسدید

بِأْسُهُمْ مَا بَيْنَهُمْ بَأْسٌ شَدِيد

(مثنوی ۲۲۸/۲)

۲- با نقصان و کاستی، مانند:

۲-۱ «مِنْ» از آیه شریفه «فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (مسد ۵/۱۱۱) در این بیت:

بسکُل این حبلی که حرص است و حسد

یاد کن فی جیدِها حَبْلٌ مَّسَد

(مثنوی ۵۰/۳)

۲-۲ «وجوه» از آیه کریمه «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌُ...» (آل عمران ۱۰۶/۳) در این بیت:

يَوْمَ تَبْيَضُّ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ

تُرک و هندو را زکی ماند شکوه

(مثنوی ۲۱۷/۱)

۳- با حذف و اضافه، مانند:

۳-۱- «ألا» و «له» در این بیت:

پس لَهُ الخَلْقُ وَ لَهُ الأمرُشِ بدان

خَلَقُ صورتِ اَمْرِجانِ راکبِ بر آن

(مثنوی ۲۷۵/۳)

در قرآن کریم آمده است: «... أَلَا لَهُ الخَلْقُ وَالْأمرُ...». (اعراف ۵۴/۷)

۳-۲- «یومئذ» و «جهره» در این بیت:

کَو تُحَدِّثُ جَهْرَةً أَخْبَارَهَا

در سخن آید زمین و خارها

(مثنوی ۲۰۲/۱)

در قرآن کریم آمده است: «یومئذ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا». (زلزال ۴/۹۹)

۴- با دخل و تصرف در الفاظ، مانند:

۴-۱- اقتباس از آیه شریفه «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً...» (بقره

۲۰۱/۲) در این بیت:

آتِنَا فِي دَارِ دُنْيَانَا حَسَنَ

آتِنَا فِي دَارِ عُقْبَانَا حَسَنَ

(مثنوی ۳۸۸/۱)

۴-۲- اقتباس از آیه کریمه «ذَلِكُمْ وَ أَنَّ اللهَ موهِنُ كَيْدِ الكَافِرِينَ» (انفال ۱۸/۸) در

این بیت:

باز از یادش رود توبه و انین

كَأَوْهَنَ الرَّحْمَنِ كَيْدِ الكَافِرِينَ

(مثنوی ۲۹۱/۳)

۵- با جابجایی الفاظ، مانند:

۵-۱- تقدّم «إذا» بر «النجم» در این بیت:

از ستاره دیده تصریف هوا

ناخوشت آید إِذَا النُّجُومُ هَوَى

(مثنوی ۲۷۶/۳)

در قرآن کریم آمده است: «وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ». (نجم ۱/۵۳)

۵-۲- تقدّم «علی وجهه» بر «مکباً» در این بیت:

بعد از آن یَمْشِ سَوِيًّا مُسْتَقِيم

نی علی وَجْهَهُ مُكِبًّا أَوْ سَقِيم

(مثنوی ۸۶/۲)

در قرآن کریم آمده است: «... یَمْشِ مُكِبًّا عَلٰی وَجْهِهِ...». (ملک ۲۲/۶۷)

۶- با تغییر لفظی از آیه، مانند:

۶-۱- تبدیل «بردا» از آیه کریمه «...یا نَارُكُونِي بَرْدًا...» (انبیاء ۶۹/۲۱) به «باردا»

در این بیت:

نَعْرَةٌ يٰ نَارُكُونِي بَارِدًا

عصمت جان تو گشت این مقتدا

(مثنوی ۳۸۷/۳)

۶-۲- تبدیل «يَنْصُرْكُمْ» از آیه شریفه «... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...» (محمد ۷/۴۷)

به «تَنْصُرُوا» در این بیت:

یاریت در تو فزاید نه اندرو

گفت حق إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ تَنْصُرُوا

(مثنوی ۱۵۰/۳)

اقتباس از چند آیه در یک بیت

۱- اقتباس از آیات «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ، وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ، وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ،

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد ۴-۱/۹۰) در این بیت:

عاشق رنج است نادان تا ابد

خیز لا أُقْسِمُ بِخَوَانٍ تَا فِي كَبَدٍ

(مثنوی ۱۰۵/۱)

۲- اقتباس از آیات «أَلْهَكُمُ التَّكَاثُرُ، حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ، كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا

سَوْفَ تَعْلَمُونَ، كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ» (تکاثر ۵-۱/۱۰۲) در این بیت:

اندر أَلْهَيْكُمْ بجو این را کنون

از پسِ كَلَّا پسِ لَوْ تَعْلَمُونَ

(مثنوی ۲۳۵/۲)

۳- اقتباس از آیات «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق ۱۱۳/۴) در این دو بیت:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ، وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

هین ز نَسَفَاتِ افغان وز عُقد

(مثنوی ۶۶/۳)

### اقتباس از دو آیه در یک بیت

۱- دو آیه به هم پیوسته در یک سوره، مانند:

۱-۱- اقتباس از آیات «و ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» (نجم ۳/۵۳ و ۴) در این بیت:

تا که ما يَنْطِقُ مُحَمَّدٌ عَنِ الْهَوَى

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى

(مثنوی ۵۴۳/۳)

۱-۲- اقتباس از آیات «كانوا قليلاً مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ، وَ بِالْأَسْحارِ هُمْ

يَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات ۱۷/۵۱ و ۱۸) در این بیت:

شو قَلِيلُ النَّوْمِ مِمَّا يَهْجَعُونَ

باش در اسحار از يَسْتَغْفِرُونَ

(مثنوی ۱۹۶/۱)

۲- دو آیه ناپیوسته در یک سوره، مانند:

۲-۱- اقتباس از آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مانده ۱/۵) و آیه «..

وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ...» (مانده ۸۹) در این بیت:

توزأوفوا بِالْعُقُودِش دست شو

إِحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ با او مگو

(مثنوی ۳۶۴/۱)

۲-۲- اقتباس از آیه «فَلَنَأْهَبُوا مِنْهَا جَمِيعاً...» (بقره ۳۸/۲) و آیه «.. و ما أَنْزَلْ

عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ...» (بقره ۱۰۲) در این بیت:

سیک‌شناسی مولوی در اقتباس از قرآن ۶۷۵

چون عتاب اهِبُوا انگیختند

همچو هاروتش نگون آویختند

(مثنوی ۲۲۹/۳)

۳- دو آیه مندرج در دو سوره، مانند:

۳-۱- اقتباس از آیه «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق ۵/۹۶) و آیه «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ

عِنْدَ اللَّهِ...» (ملک ۲۶/۶۷) در این بیت:

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ خِيمِ طغرای ماست

عِلْمِ عِنْدَ اللَّهِ مقصدهای ماست

(مثنوی ۱۶۶/۳)

۳-۲- اقتباس از آیه «وَأَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم ۴/۶۸) و آیه «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ

عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر ۵۵/۵۴) در این بیت:

وَأَنْ عَظِيمِ الْخُلُقِ او کَانَ صَفْدَرِ اسْت

بِي تَغْيِيرِ مَقْعَدِ صِدْقِ اَنْدَرِ اسْت

(مثنوی ۵۰۳/۲)

اقتباس از دو آیه در یک مصراع

۱- اقتباس از آیه «وَحَسَفَ الْقَمَرُ» (قیامه ۸/۷۵) و آیه «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»

(تکویر ۱/۸۱) در مصراع دوم این بیت:

گویم ای خورشید مقرون شو به ماه

هر دو را سازم چو دو ابر سیاه

(مثنوی ۳۳۶/۱)

۲- اقتباس از آیه «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى» (نجم ۱/۵۳) و آیه «عَبَسَ وَتَوَلَّى» (عبس

۱/۸۰) در مصراع اول این بیت:

آن شه وَالنَّجْمِ و سلطان عَبَسَ

لب گزید آن سرد دم را گفت بس

(مثنوی ۴۰۰/۲)

اقتباس از یک آیه در چند بیت

۱- اقتباس از آیه کریمه «فَلَوْلَا إِذْجَاءَهُمْ بِأُسُنَا تَضَرَّعُوا و لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ و

زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام ۴۳/۶) در این ابیات:

گفته‌ای اندر نَبی کَانَ اَمْتَان

که بر ایشان آمد آن قهر گران

چون تَضَرَّع می‌نکردند آن نَفْس

تا بلا زیشان بگشتی بازپس

لیک دلهاشان چو قاسی گشته بود

آن گنه‌هاشان عبادت می‌نمود

(مثنوی ۱۰۳/۳)

۲- اقتباس از آیه شریفه «و تحسبهم أيقاظاً و هم رقودٌ و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال...» (کهف ۱۸/۱۸) در این ابیات:

اولیا اصحاب کهفاند ای عنود

در قیام و در تقلب هم رُقود

می‌کشدشان بی‌تکلف در فعال

بی‌خبر ذات الیمین ذات الشمال

چیست آن ذات الیمین فعل حسن

چیست آن ذات الشمال أشغال تن

(مثنوی ۱۹۶/۱)

۳- اقتباس از آیه کریمه «یا بنی اذهبوا فتحسبوا من یوسف و اخیه و لا تياسوا من روح الله انه لا یأس من روح الله إلا القوم الكافرون» (یوسف ۸۷/۱۲) در این ابیات:

گفت آن یعقوب با اولاد خویش

جستن یوسف کنید از حدّ بیش

هر حس خود را در این جستن به جد

هر طرف رانید شکلِ مُستعد

گفت از رُوحِ خدا لا تياسوا

همچو گم‌کرده پسر رو سو به سو

(مثنوی ۵۶/۲)



### اقتباس از آیات یک سوره

آیات سوره فیل با عبارت «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ، أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّيلٍ، وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» (فیل ۱۰۵/۵-۵) در این ابیات:  
قَوّتِ حَقِّ بُوْدِ مَرِّ بَابِيْلِ رَا

ورنه مرغی چون کُشد مر پیل را

لشکری را مرغکی چندی شکست

تا بدانی کآن صلابت از حق است

گر ترا وسواس آید زین قبیل

رو بخوان تو سوره اصحاب فیل

(مثنوی ۴۴۰/۱)

در این راستا، این نکته را نباید از نظر دور داشت که مولانا به اقتباس از آیات برخی سوره‌های کوچک قرآن کریم پرداخته است، منتها ابیات متأثر از آیات هر سوره به طور پراکنده در مثنوی آمده است که اگر یکجا فراهم آید، در حکم اقتباس از آیات یک سوره خواهد بود. نمونه زیر گویای این مطلب است:

اقتباس از آیات سوره اخلاص با عبارت «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص ۱۱۲/۴-۱) در این ابیات:

تَا بَه قُلِّ مَشْغُولِ گَرْدَدِ گُوشِشَانِ

سوی روی گل نپرد هوششان

(مثنوی ۳۱۳/۳)

حَقُّ پَاكِ ذَاتِ اللَّهِ الصَّمَدِ

که بود به مارِ بد از یارِ بد

(مثنوی ۱۶۹/۳)

لَمْ يَلِدْ لَمْ يُولَدْ است او از قَدَمِ

نی پدر دارد نه فرزند و نه عَمِ

(مثنوی ۷۴/۲)

رو کزین جو برنیایی تا ابد  
لَمْ يَكُنْ حَقَّالَهُ كُفُؤاً أَحَدٌ

(مثنوی ۳۰۷/۳)

گفتنی است که این روش را نیز می‌توان در خصوص سوره‌های «تکواثر»، «عصر» و «فیل» اعمال کرد.

اشاره به مضمون آیه یا بخشی از آن

۱- اشاره به آیه کریمه «.. وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران ۵۴/۳) در این بیت:

مکر حق را بین و مکر خود بهل

ای ز مکرش مکر مکاران خجل

(مثنوی ۳۳/۳)

۲- اشاره به آیه شریفه «.. لِيُنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم ۷/۱۴) در این بیت:

گر تو کردی شکر و سعی مُجْتَهِدٌ

غم مخور که صد چنان بازت دهد

(مثنوی ۶۳/۳)

۳- اشاره به آیه کریمه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره ۱۵۵/۲) در این بیت:

خوف و جوع و نقص اموال و بدن

جمله بهر نقد جان ظاهر شدن

(مثنوی ۴۱۲/۱)

۴- اشاره به آیه شریفه «و علاماتٍ و بالنجم هم يهتدون» (نحل ۱۶/۱۶) در این بیت:

روز روی از آفتابی سوختند

شب ز اختر راه می‌آموختند

(مثنوی ۳۱/۲)

سبک‌شناسی مولوی در اقتباس از قرآن ۶۷۹

۵- اشاره به آیه کریمه «وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ» (ص ۳۷/۳۸) در این

بیت:

چون سلیمان شو که تا دیوان تو

سنگ بُرَند از پی ایوان تو

(مثنوی ۳۴۶/۲)

اشاره به چند آیه در یک بیت

۱- اشاره به آیات «و كُنْتُمْ أَرْوَاجًا ثَلَاثَةً، فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ، وَ

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ، وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»

(واقعه ۱۱-۷/۵۶) در این بیت:

وین بشر هم ز امتحان قسمت شدند

آدمی شکلاند و سه اَمّت شدند

(مثنوی ۳۶۷/۲)

۲- اشاره به آیات «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ، وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ

مَوَازِينُهُ، فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ، وَ مَا أَدْرِيكَ مَا هِيَةٌ، نَارٌ حَامِيَةٌ» (قارعه ۱۱-۶/۱۰۱) در این

بیت:

نقدِ نیکو شادمان و ناز ناز و مطالعات فریبگی

نقد قلب اندر زحیر و در گداز

(مثنوی ۱۱۵/۳)

۳- اشاره به آیات «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ، إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ، الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ

مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ» (فجر ۸۶/۸۹) در این بیت:

سبلت تو تیزتر یا آنِ عاد

که همی لرزید از دَمشان بلاد

(مثنوی ۴۲۳/۲)

اشاره به دو آیه در یک بیت

۱- دو آیه به هم پیوسته در یک سوره، مانند:

۱-۱- اشاره به آیات «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ، وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ» (رحمن ۱۴/۵۵ و ۱۵) در این بیت:  
آدم است از خاک کی ماند به خاک

جَنِّي است از نار بی‌هیچ اشتراک

(مثنوی ۴۲۰/۲)

۱-۲- اشاره به آیات «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ، أُن رَأَاهُ اسْتَفْغَى» (علق ۶/۹۶ و ۷) در این بیت:

اندرون خویش استغنا بدید

گشت طغیانی ز استغنا بدید

(مثنوی ۵۴۸/۳)

۲- دو آیه ناپیوسته در یک سوره، مانند:

۲-۱- اشاره به آیه «ألم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم ۲۴/۱۴) و آیه «و مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ» (ابراهیم ۲۶/۱) در این بیت:

اصل آن شاخ است هفتم آسمان

اصل این شاخ است از نار و دخان

(مثنوی ۶۹/۳)

۲-۲- اشاره به آیه «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مَتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» (مریم ۲۳/۱۹) و آیه «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم ۳۰/۱) در این بیت:

آن نیاز مریمی بوده است و درد

که چنان طفلی سخن آغاز کرد

(مثنوی ۱۸۲/۲)

۳- دو آیه مندرج در دو سوره، مانند:

۳-۱- اشاره به آیه «وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (ص ۴۱/۳۸) و آیه «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف ۸۳/۱۲) در این بیت:  
آن یکی اندر بلا ایسوب‌وار

و آن دگر در صابری یعقوب‌دار

(مثنوی ۳/۳۲۳)

۳-۲- اشاره به آیه «وَأَمَّا عَادٌ فَاهْلَكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (حاقه ۶/۶۹) و آیه «وَقَوْمَ نوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرِّسْلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً...» (فرقان ۳۷/۲۵) در این بیت:

باد را دیدی که با عادان چه کرد

آب را دیدی که در طوفان چه کرد

(مثنوی ۲/۳۲۵)

اشاره به دو آیه در یک مصراع

۱- اشاره به آیه «فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا» (واقعه ۶/۵۶) و آیه «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ المنفوشِ» (قارعه ۵/۱۰۱) در مصراع دوم این بیت:

چون بتابد تَفُّ آن خورشید خشم

کوه گردد گاه ریگ و گاه پشم

(مثنوی ۳/۴۰۸)

۲- اشاره به آیه «وَأِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (غاشیه ۲۰/۸۸) و آیه «وَأِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه/۱۸) در مصراع اول این بیت:

خفض ارضی بین و رفع آسمان

بی از این دو نیست دورانش ای فلان

(مثنوی ۳/۳۷۸)

اشاره به یک آیه در چند بیت

۱- اشاره به آیه شریفه «... وَأَبْرَأُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ...» (آل عمران ۴۹/۳) در این ابیات:

گفت آخر آن مسیحا نی توی  
که شود کور و کر از تو مُستوی؟  
گفت آری گفت آن شه نیستی  
که فسون غیب را ماویستی؟  
چون بخوانی آن فسون بر مُرده‌ای  
بر جهد چون شیر صید آورده‌ای

(مثنوی ۱۴۶/۲)

۲- اشاره به آیه کریمه «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمْنُواَ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (جمعه ۶/۶۲) در این ابیات:  
در نُبی فرمود کای قوم یهود  
صادقان را مرگ باشد گنج و سود  
همچنانکه آرزوی سود هست  
آرزوی مرگ بردن زان به است  
ای جهودان بهر ناموس کسان  
بگذرانید این تمنا بر زبان

(مثنوی ۲۴۴-۲۴۳/۱)

۳- اشاره به آیه کریمه «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا» (مریم ۱۰/۱۹) در این ابیات:  
زان نشان با والد یحیی بگفت  
که نیایی تا سه روز اصلا به گفت  
تا سه شب خامش کن از نیک و بدت  
این نشان باشد که یحیی آیدت  
دم مزن سه روز اندر گفت و گو  
کاین سکوت است آیت مقصود تو

(مثنوی ۳۳۸/۱)

### ترجمه آیه کامل

۱- ترجمه آیه «لَمْ يَلِدْ و لم يُولَدْ» (اخلاص ۳/۱۱۲) به «نه پدر دارد نه فرزند»  
در این بیت:

لم یلد لم یولد است او از قدم  
نه پدر دارد نه فرزند و نه عم  
(مثنوی ۷۴/۲)

۲- ترجمه آیه «یوم تَبَلَى السَّرائِرُ» (طارق ۹/۸۶) به مصراع نخست این بیت:  
روز محشر هر نهن پیدا شود  
هم ز خود هر مجرمی رسوا شود  
(مثنوی ۱۴۰/۳)

۳- ترجمه آیه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن ۶۰/۵۵) بدین بیت:  
چیست احسان را مکافات ای پسر  
لطف و احسان و ثواب معتبر  
(مثنوی ۳۸۹/۱)

### ترجمه بخشی از آیه

۱- به فارسی سره، مانند:  
۱-۱- ترجمه آیه «.. یُدَاللهُ فَوْقَ أیدیهِمْ...» (فتح ۱۰/۴۸) به مصراع نخست این  
بیت:

منتهای دستها دست خداست  
بحر بی‌شک منتهای سیلهاست  
(مثنوی ۴۶۵/۲)

۱-۲- ترجمه آیه «.. یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمِیتِ...» (روم ۱۹/۳۰) به «ز مرده زنده  
بیرون می‌کشد» در این بیت:  
چون ز مرده زنده بیرون می‌کشد  
هرکه مرده گشت او دارد رَشَد  
(مثنوی ۳۶/۳)

۱-۳- ترجمه آیه «.. قَدْ یَسْوَا مِنَ الْآخِرَةِ کَمَا یَسَّ الْکَفَّارُ مِنَ أَهْلِ الْقُبُورِ» (ممتحنه  
۱۳/۶۰) بدین بیت:

تا چنان نومید شد جانشان ز نور  
که روان کافران ز اهلِ قُبُور  
(مثنوی ۲۴۸/۲)

۲- با استفاده از الفاظ قرآن، مانند:

۲-۱- ترجمه «و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب...» (عنکبوت ۶۴/۲۹) به «دنیا لهو و لعب است» در این بیت:

گفت دنیا لعب و لهو است و شما

کودکیت و راست فرماید خدا

(مثنوی ۲۱۱/۱)

۲-۲- ترجمه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح ۶/۹۴) به «یسر با عسر است» در این بیت:

یسر با عسر است هین آیس مباح

راه داری زین ممت اندر معاش

(مثنوی ۲۵/۳)

۲-۳- ترجمه «و جزاء سيئة سيئة مثلها...» (شوری ۴۰/۴۲) به «جزای سيئه مثلش بود» در این بیت:

زانکه مثل آن جزای آن شود

چون جزای سيئه مثلش بود

(مثنوی ۲۵۴/۳)

### تفسیر آیه

۱- ابیاتی که تفسیرگونه‌ای از آیه است، مانند:

۱-۱- تفسیر آیه کریمه «و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقدر لك قال إني أعلم ما لا تعلمون» (بقره ۳۰/۲) در این ابیات:

چون سفر فرمود ما را زان مقام

تلخ شد ما را از آن تحویل کام

تا که حجتنا همی گفتیم ما

که به جای ما که آید ای خدا



نور این تسیح و این تحلیل را  
می‌فروشی بهرِ قال و قیل را  
حکم حق گسترد بهر ما بساط  
که بگوید از طریق انبساط

(مثنوی ۱۶۴/۱)

۱-۲. تفسیر آیات مبارکه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (رحمن ۱۹/۵۵ و ۲۰) در این ابیات:

بحر را همیشه شیرین چون شکر  
طعم شیرین رنگ روشن چون قمر  
نیم دیگر تلخ همچون زهر مار  
طعم تلخ و رنگ مُظْلِمِ قیروار  
هر دو بر هم می‌زنند از تحت و اوج  
بر مثال آب دریا موج موج

(مثنوی ۱۵۸/۱-۱۵۹)

۲- تفسیر آیاتی که مولانا خود در مثنوی عنوان کرده است، مانند:

۲-۱. تفسیر آیه کریمه «... وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ...» (حدید ۴/۵۷) در این

ابیات:

گر به جهل آییم آن زندان اوست  
ور به علم آییم آن ایوان اوست  
ور به خواب آییم مستان ویایم  
ور به بیداری به دستان ویایم  
ور بگرییم ابر پُر زرق ویایم  
ور بخندیم آن زمان برق ویایم  
ور به خشم و جنگ، عکس قهر اوست  
ور به صلح و عذر، عکس مهر اوست  
ماکه‌ایم اندر جهان پیچ پیچ  
چون الف او خود چه دارد هیچ هیچ

(مثنوی ۹۳/۱)

۲-۲- تفسیر آیه شریفه «... و لتعرفنَّهُمْ فی لحنِ القَوْلِ...» (محمد ۴۷/۳۰) در این

ابیات:

گفت یزدان مر نبی را در مساق  
یک نشانی سهل‌تر ز اهلِ نفاق  
گر منافق زفت باشد نغز و هول  
واشناسی مر ورا در لحن و قول  
چون سُفالین کوزه‌ها را می‌خری  
امتحانی می‌کنی ای مشتری  
می‌زنی دستی بر آن کسوزه چرا  
تا شناسی از طنین اشکسته را  
بانگ اشکسته دگرگون می‌بود  
بانگ چاووش است پیش می‌رود  
بانگ می‌آید که تعریفش کند  
همچو مصدر فِعْلِ تصریفش کند

(مثنوی ۴۵/۲)

آنچه گذشت، نموداری است شگفت‌انگیز از شیوه مولانا در اقتباس از کلام وحی که از تنوع خاصی برخوردار است و بی‌تردید نظیر آن را در اشعار دیگر شاعران سراغ نتوان گرفت. این شیوه بیانگر شناخت کامل مولانا از قرآن کریم و تبخّر و تزلّع غیرقابل توصیف وی در حوزه معارف حیات‌بخش و سعادت‌آفرین قرآنی است که او را از دیگر شاعران ممتاز گردانیده است. در خاتمه بجاست که از نکاتی چند سخن به میان آید:

الف - اقتباس از قرآن کریم در مثنوی یا لفظی است یا معنوی. در اقتباس لفظی، یافتن ابیات تأثیرپذیر از آیات به شرط آشنایی کامل با الفاظ و عبارات قرآنی چندان دشوار نیست، به‌خلاف اقتباس معنوی که یافتن آیات تأثیرگذار در ابیات چندان سهل و آسان نیست و نیازمند درک صحیح از معانی ابیات مثنوی و تبخّر در شناخت مفاهیم و مضامین و مقاصد قرآنی است، که تا با تأمل و دقّت و

تحقیق همراه نباشد نمی‌توان به طور قاطع به تطبیق منطقی آیات با ابیات و تأثیر و تأثر متقابل میان آنها حکم کرد.

ب - در مثنوی معنوی ابیاتی وجود دارد که در آنها به نقل قول از حق تعالی اشارت رفته است و نشان از تأثیر آیات در ابیات دارد. منتها در چنین مواردی، اقتباس گاه لفظی است و گاه معنوی که شیوه کشف آیات تأثیرگذار در آنها متفاوت است. این نقل قولها را با الفاظ گوناگون در مثنوی می‌توان از نظر گذراند که پاره‌ای از آنها بدین شرح است:

گفت حق، گفت ایزد، گفت یزدان، خدا فرمود، در نبی فرمود، حق تعالی گفت، حق تعالی وحی کرد، حق تعالی داد، حق خوانده است، فرمود رحمان، فرمود حق، فرمود احد، از خداست، از حق رسید، از نبی برخوان، از نبی بشنو، از نبی خوان، از نبی خوانید، در نبی آمد زهو، گوید خدا، فرماید خدا، فرمود یزدان، قول حق، حق همی گوید، ز وهاب آمده، نزد یزدان، پیغام خدا، فرمان خدا، پناه ایزدی، بانگ حق، امر حق بشنو و نظایر اینها.

البته، گاهی هم از الفاظی چون قرآن، وحی، جبرئیل، آیه و سوره و نیز از ترکیباتی که نام مقدس «الله» در آنها به کار رفته است، مثل صبغۀ الله، یدالله، ناقه‌الله و حبل‌الله می‌توان به تأثیر آیات در ابیات پی برد. علاوه بر تعبیرات و ترکیباتی که بر محور قصص انبیاء در مثنوی شکل گرفته است و ذهن را به سمت و سوی آیات مختص به آنها سوق می‌دهد.

ج - تکرار در اقتباس از آیات بینات از جمله ویژگیهای مثنوی است که نشان می‌دهد مولانا در طرح حقایق روحانی و لطایف عرفانی، بیشتر به چه آیاتی نظر داشته و استناد کرده است. این تکرار که دهها بار در مثنوی اعمال شده، گاه انگشت‌شمار است و گاه پرتعداد و به نظر می‌رسد که شماره ابیات تأثیرپذیر از هر آیه هرچه افزون‌تر باشد، آن آیه در حوزه فکری و اعتقادی مولانا از اهمیتی بسزا و جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. در اینباره از آیه نور (نور ۲۴/۳۵)، امانت (احزاب ۷۲/۳۳)، استرجاع (بقره ۱۵۶/۲) و دیگر آیاتی، می‌توان یاد کرد که در آنها از مسائلی سخن رفته است که از راز و رمز جهان هستی پرده برمی‌دارد، مدارج

سلوک روحانی را ترسیم می‌کند، به تبیین ارزشهای وجودی آدمی می‌پردازد، عوامل رشد و کمال را نیک مجسم می‌سازد، خطر نومیدی از رحمت خدا را گوشزد می‌نماید، از معیت قیومی خالق با مخلوق سخن به میان می‌آورد، شیوه نیل به حیات طیبه را آموزش می‌دهد و سرانجام، راه وصول به سعادت جاودانی را با ظرافت تمام به تصویر می‌کشد.

به هرحال، مولانا با تبخّری حیرت‌انگیز و شیوه‌ای ابتکاری به اقتباس از قرآن کریم پرداخته و با بهره‌گیری از کلام وحی، توان ذوقی و فکری خود را در بیان حقایق روحانی و اسرار معنوی به کار گرفته است، آن هم در طیفی گسترده و با تنوعی اعجاب‌انگیز که از چیره‌دستی و ژرفنگری و باریک‌بینی وی در معارف قرآنی حکایت دارد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای تفصیل بیشتر رجوع شود به: زرین‌کوب، ۱۳۷۲: صص ۱۹۷-۲۰۲؛ ابن یوسف، ۱۳۶۳: صص ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۲، ۱۸۱، ۱۹۴، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۶۱، ۳۰۹، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۳۱.

۲. طوسی، —: ج ۱، ص ۴ و با اندک تفاوت: المتقی الهندی ۱۴۰۵ ه: ج ۲، ص ۱۶. برای تفصیل بیشتر رجوع شود به: میرزا محمد، ۷-۱۳۶۴: ج ۱، ص بیست و یک از مقدمه.

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموعه‌های علمی و پژوهشی

۳. کنایه از قرآن کریم است.  
۴. طوسی، —: ج ۱، ص ۱۹. نیز رک: ابوالفتح رازی، ۱۳۵۶: ج ۱، ص ۷.  
۵. «الم» در آغاز سوره‌های بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان و سجده آمده است.

۶. «حم» در آغاز سوره‌های مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف آمده است.

۷. برای مزید اطلاع رجوع شود به: خزائلی، ۱۳۵۵: صص ۷۰۱-۷۲۷.

۸. این تعبیر از خود مولوی است که می‌توان آنها را در مثنوی، ج ۲، ص ۱۹۷ از نظر گذراند، هرچند که شارحان مثنوی از این چهارجو به حمد و ایثار و صبر و طاعت تعبیر کرده‌اند. رک: گوهرین، ۱۳۶۲: ج ۴، ص ۴.

۹. رک: سوره‌های اعراف (۷) ۱۰۸؛ طه (۲۰/۲۲)؛ شعراء (۲۶/۳۳) و نمل (۲۷/۱۲).
۱۰. سوره نور (۲۴/۳۵). رک: حکمت، ۱۳۶۱: ص ۷۴؛ ابن یوسف، ۱۳۶۳: ص ۲۴؛ بلطه‌جی، ۱۴۲۱ هـ: ص ۱۴۳.
۱۱. سوره فتح (۴۸/۱۰). رک: حکمت، ۱۳۶۱: ص ۷۶؛ ابن یوسف، ۱۳۶۳: ص ۱۵۹.
۱۲. سوره قصص (۲۸/۸۸). رک: حکمت، ۱۳۶۱: ص ۷۵.
۱۳. سوره اسراء (۱۷/۸). رک: قره‌العین، ص ۹؛ بلطه‌جی، ۱۴۲۱ هـ: ص ۱۴۰.
۱۴. سوره‌های نور (۲۴/۶۱) و فتح (۴۸/۱۷). رک: حکمت، ۱۳۶۱: ص ۷۴؛ ابن یوسف، ۱۳۶۳: ص ۱۲۵، ۱۶۰.

### کتابنامه

- ابن یوسف، ضیاء‌الدین الحدائق الشیرازی. ۱۳۶۳. *امثال القرآن الکریم*، به کوشش مهدی ماحوزی. تهران: اساطیر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۳۵۶. *تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی موسوم به: روح الجنان و روح الجنان*. تصحیح و حواشی به قلم میرزا ابوالحسن شعرانی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- بلطه‌جی، توفیق بن عمر. ۱۴۲۱ هـ / ۲۰۰۰ م. *حکم من القرآن جرت مجری الامثال*. دمشق: دارالفکر.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۶۴. *دریا به دریا*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- حکمت، علی اصغر. ۱۳۶۱. *امثال قرآن*. چ ۲. تهران: بنیاد قرآن.
- خزائلی، محمد. ۱۳۵۵. *اعلام قرآن*. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۲. *بحر در کوزه* (نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی). چ ۴. تهران: انتشارات علمی (و) انتشارات سخن.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۵۵. *مقدمه‌ای بر تصوف*. چ ۴. تهران: کتابهای سیمرخ (وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر).
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (شیخ الطائفة). بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قدم له الشیخ آقابزرگ الطهرانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۶۱. *احادیث مثنوی*، تهران: امیرکبیر.
- قرآن مجید. ۱۳۷۴. ترجمه عبدالمحمد آیتی. به خط حبیب‌الله فضائلی. تهران: سروش (واحد احیای هنرهای اسلامی).

## ۶۹۰ فرهنگ، ویژه‌نامهٔ مولوی

قره‌العین (مشمول بر امثال و حکم فارسی و عربی و نوادر حکایات). ۱۳۵۴. به اهتمام امین پاشا اجلالی. تبریز: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

گوهرین، سیدصادق. ۱۳۶۲. فرهنگ لغات و تعبیّرات مثنوی. ج ۲. تهران: کتابفروشی زوّار.

المتقی الهندی، علاء‌الدین علی. ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م. کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. ضبطه و فسر غریبه الشیخ بکری حنّانی، صححه و وضع فهارسه و مفتاحه الشیخ صفوه‌الصفاء. ج ۵. بیروت: مؤسسه‌الرساله.

مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۶۳. مثنوی معنوی. تصحیح رینولد. ا. نیکلسون. به اهتمام نصرالله پورجوادی. تهران: امیرکبیر.

میرزاحمد، علی‌رضا. ۱۳۶۴-۱۳۶۷. مفتاح‌المیزان. با تقریظ استاد حسن‌زاده آملی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی